

## متن پیاده سازی شده جلسه بیست و یکم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 20 آبان 1387

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که محورهای را داریم بحث می کنیم که در مساله خبر واحد باید مورد توجه واقع شود و انتظار می رود که از موافقین و مخالفین که به این محورها اشاره کنند؛ چهار محور را تا به حال ذکر کردیم و الان ادامه محورها را مطرح می کنیم. 5: واقعاً مخالفین خبر واحد چه می خواستند بگویند؟ آیا مخالفین خبر واحد با برخی جریانهای افراطی مخالف بودند؟ نه اینکه با حجیت خبر واحد علی الاطلاق مخالف باشند.

مثلاً: یونس بن عبد الرحمن یکی از روایت شناخته شده ما است که حضرت رضا علیه السلام می فرماید: مثل یونس بن عبدالرحمن در بغداد مثل پدرم موسی بن جعفر علیه السلام است؛ معروف است که ایشان در نقل اخبار سخت می گرفتند و می گفتند که اخباری که موافق قرآن است را اخذ می کنم و.... چنین شخصی را جز مخالفین خبر واحد شمرده اند در حالی که ایشان با جریان اخباری گری شیعه و سنی مخالف بوده است و نمی شود ایشان را جز مخالفین دانست.

6: حد مخالفت مخالفان تا کجاست؟ مرحوم آخوند فرمود: المشهور حجیت خبر واحد فی الجملة .... ایشان با یک کلمه خودشان را راحت کردند اما این فی الجملة به درد بحث علمی نمی خورد. و ما باید ببینیم مخالفان حد مخالفتشان تا کجا بوده است؟ آیا اینها با روایاتی که موافق مقاصد شریعت است مخالف بوده اند؟ یا نه؟

7: ما گفتیم بحث حجیت اخبار آحاد به عنوان ظن خاص مطرح است؛ خبر واحد آیات و روایات را تخصیص و تقیید می زند و.... آیا واقعاً همه موافقان خبر واحد - حداقل بعد از شیخ طوسی به بعد - همین نگاه کفایه را داشته اند یا نه؟ ممکن است آنها خبر واحد را به عنوان ظن خاص مطرح نمی کردند بلکه شاید به عنوان خیر الطرق المیسره مطرح می کردند.

8: خبر جدای از ضعیف و قوی، معتبر و غیر معتبر گاهی به اعتبار شخص می گویند؛ می گویند خبر ثقه یعنی خبر شخص ثقه به نحو اضافی و گاهی هم می گویند خبر موثوق به به نحو صفت و موصوفی .... آیا موافقان منظورشان خبر ثقه است یا خبر موثوق به یا هر دو؟ بین خبر ثقه و موثوق به عام و خاص من وجه است.

9: جریان نقل به معنا وجود داشته و حضرات معصومین علیهم السلام هم نقل به معنا را اجازه داده اند و این اجازه به خاطر مصالحی بوده است مثلاً برخی اشخاص که در درس امام علیه السلام حاضر می شدند و قلم و کاغذ نداشتند و... گاهی نقل به مضمون می کنند گاهی ترجمه می کنند گاهی امام علیه السلام چیزی فرموده اند و راوی تطبیق می دهد مثلاً امام علیه السلام در مورد حجت عصر مطلبی فرموده اند و حجت عصر در آن زمان شخصی بوده و در عصر غیبت شخص دیگر است مثلاً اللهم کن لولیک الحجه ... در زمان امام صادق علیه السلام امام صادق علیه السلام بوده در عصر غیبت امام زمان علیه السلام. این هم یکی از محورهای قابل تامل در بحث خبر واحد است و باید از نظر تاریخی این را هم بررسی کنیم؛ آیا نقل به معنا لطمه به حجیت اخبار می زند یا نه؟

10: تقسیم اخبار به چهار قسم از زمان علامه حلی شروع شده است؛ اگر تقسیم اخبار چنین سابقه منقطعی دارد (چرا که علامه برای قرن هشتم است) چطور نسبت به موافقین و مخالفین قبل علامه ما می خواهیم نظر بدهیم شاید اگر این تقسیم در زمان های گذشته بود اختلافات اینگونه ای دیده نمی شد.

11: در اخبار دو مسلک وجود دارد. الف: سببیت: یک مساله وقتی خبری در موردش قائم می شود خود مطاوعت خبر موضوعیت دارد چه وراء خبر، واقعی باشد چه نباشد. ب: طریقت: مطاوعت از اخبار موضوعیتی ندارد بلکه اگر طریق، ما را به واقع برساند ما مصلحت را به دست می آوریم و اگر به واقع نرسیم به مصلحت دست پیدا نمی کنیم و فقط عذر آوری در

صورت نرسیدن به واقع وجود دارد.

اگر ما مسلک سببیت را انتخاب کنیم حجیت اخبار بسیار راحت می شود و سببیت بیشتر با مسلک خبر ثقه تطابق دارد. همه این بحث ها در مورد کارایی سندی خبر واحد است.

این ها محورهای ما در بحث حجیت خبر واحد است چه بسا بیش از این هم محورهای مطرح شود.

**و الحمد لله رب العالمین**